پرچم

دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

یک راه چاره بیش نیست

کسانی می گویند : شما چرا درباره خوار و بار نمی نویسید ؟ .. می گویم : چه بنویسم ؟ .. دیگران می نویسند و شما می بینید که نتیجه ای بدست نمی آید . حقیقت آنست که ایران در زیر پا مانده و لگد مال می گردد . چنانکه پیداست و دیده میشود این رشته سر دراز خواهد داشت و گرفتاری خوار بار بآن سادگی که پنداشته میشود نیست و بهر حال این بقینست که از نوشتن و فریاد برانگیختن نتیجه در دست نخواهد بود .

این داستان جنبه دیگری پیدا کرده که با نوشتن و فریاد بر انگیختن جایی نخواهد رسید و راه چاره یک چیز بیشتر نیست و آن اینکه یکدسته از غیرتمندان و علاقه مندان از دور و نزدیک دست بهم دهند و باین گرفتاری از راهش بچاره کوشند .

نخست باید با متفقین گفتگو شود و یکقراری برای دخالت آنها در کار خوار و بار ایران گزارده شود

دوم باید در همه جا کمیسیونهایی از مردم بر پا شود که از یکسو دست انبار داران را کوتاه کنند و از یکسو برای تقسیم خوار بار بخاندانها مواظبت نمایند .

سوم باید بکشاورزی و تولید خوار-بار توسعه داده شود که بیشتر از این محصول بدست آید که هم برای خود مردم کافی باشد و هم برای سپاهیان متفقین

اینست کاریکه باید کرد و من گمان نمی کنم این را دولت بتواند . زیرا دولت وسایل ندارد و شما می بینید که در این مدت هیچ کاری نتوانسته است .

بهر حال یک وضع بسیار سختی برای ایران پیش آمده و چاره همانست که گفتیم . ما با جمعیت خود آماده ایم که باین کار بپردازیم ولی باید دیگران نیز بما کمک کنند .

من اگر بگویم ایرانیان سزای نادانیهای خود را می کشند شماتت شمرده خواهد شد . اینست از گذشته چشم پوشیده می گویم : ای ایرانیان بخود آیید و دست از پراکندگیها بردارید . ما برای رهایی شما می کوشیم از دور و نزدیک با ما همدستی کنید . اگر اکنون هم باز بخود نیایید و هر گروهی در پی نادانیهای خود باشید بدانید که روز بروز گرفتاریتان بیشتر خواهد گردید . اگر اکنون هم باز بی پروایی نموده چشم براه مردانت بدوزید یا بخواهید تنها بداد و فریاد اکتفا کنید بدانید که بدردتان چاره ای نخواهد بود و هر آینه نا بود خواهید شد .

ارزش اسکناس با پشتوانه نیست (۲)

اما اسکناس ارزش آن با طلای بانک نیست با کالای کشور است . یک اسکناس صد ریالی که در دست شماست و خود یک برگ کاغذ بیش نیست ارزشش از اینروست که اگر بدکان برنجفروشی ببرید می توانید آن را داده چند من برنج گیرید ، اگر بمغازه چیت فروشی ببرید می توانید چند ذرع چیت خرید ، اگر یک نقاش یا بنایی را در خانه خود بکار وادارید و بمزدش این را دهید از شما می پذیرد . ارزش آن یکسره از اینجاست . ولی بازرگانان ارزش آنرا از روی طلایی می دانند که در بانک بنام پشتوانه اندوخته گردیده . و اینست میگویند چون آن پشتوانه در برابر هزار ملیون ریال اسکناس (مثلا) بوده ، و اکنون اسکناس دو هزار و هفتصد ملیون ریال گردیده در حالیکه پشتوانه همانست که بوده از اینرو از ارزش کاسته و باید نرخ کالا ها را بالا برد .

این پندار بازرگانان و دیگران مبتنی بر آنست که می اندیشند که اگر روزی ما نخواهیم اسکناس را بپذیریم و آنچه داریم ببریم بانک دهیم بانک در برابر آن طلا یا نقره بما خواهد داد . در حالیکه چنین اندیشه ای خود بیجاست . زیرا :

نخست چنان کاری هیچگاه رخ نخواهد داد . هیچگاه نخواهد شد که مردم اسکناسها را ببانک باز گردانند و بانک در برابرش زر و سیم دهد . آن زر و سیم که در بانک اندوخته گردیده هیچگاه در میان مردم تقسیم نخواهد شد تا کنون در هیچ کشوری چنین کاری رخ نداده است و نخواهد داد .

دوم برفرض آنکه یکروزی چنین کاری رخ داد و بانک زر و سیم را به دست مردم داد ، تازه آن زر و سیم از خود ارزش چندانی ندارد و جای پول را نخواهد گرفت . بویژه بهنگام کمی کالا ها و خشکی سال . دوباره می گویم : از دیده حقیقت زر و سیم ارزش فلزی خود را دارند . مثلا فرض کنید کسی صد هزار ریال اسکناس دارد . برد ببانک و سه کیلو بیشترک یا کمترک طلا گرفت . از آن طلا بیش از این سود نتواند برد که بدهد یک تشتی بسازد ، یا آفتابه ای درست کند ، یا گردن بند ها و بازوبند ها برای زن و دختر خود بسازاند . بیش از این نتیجه ندارد .

اینست اندیشه آنکه ارزش اسکناس با طلای بانک میباشد راست نیست . و این کاریکه دولتها میکنند جز فریب نیست . دوباره می گویم : ارزش اسکناس با کالا های کشور است .

نتیجه این سخن آنست که رفتار بازرگانان و بازاریان که هنگامیکه اسکناس تازه چاپ میشود گمان می کنند از ارزش اسکناسها کاسته و نرخها را بالا می برند بنیادش جز پندار و فریب نیست . در واقع همین رفتار خود بازرگانانست که اسکناس را از ارزش می اندازد .

برای روشنی سخن مثلی بزنم : فرض کنید دو هفته پیش برنج خرواری دو هزار ریال و روغن منی صد و سی ریال و دیگر چیزها بهمین تناسب بود . در واقع ارزش اسکناس در این پایه بود : ۱ خروار برنج = ۲۰۰۰ ریال سپس گفتگوی چاپ پنجاه ملیون ریال اسکناس بمیان آمد . حال اگر بازاریان پروا نمی نمودند اسکناس بهمان حال باز می ماند و بکسی زیانی نمیرسید . ولی بازاریان از روی همان پندار بیجای خود بیکباره همه چیز را بالا بردند و در نتیجه این بالا بردن بود که اسکناس پائین افتاد و اکنون پایه اش اینست یکخروار برنج = ۲۵۰۰ ریال .

آیا باعث این پائین افتادن که شده ؟ .. نه خود همین بازرگانان ؟ .. از اینسوی چه سودی از این کار خود برده اند ؟ .. باید گفت : هیچ . زیرا آن روزیکه برنج خرواری ۲۰۰۰ ریال بود دیگر کالاها بهمان تناسب فروخته میشد و اکنون که برنج خرواری ۲۵۰۰ ریال گردیده آنها نیز بهمین تناسب بالا رفته اند .

شاید کسانی خواهند پنداشت که من چون «دانش اقتصاد» نخوانده ام سخنان پرتی می نویسم . اینست میگویم . چنان نیست . راستست من «دانش اقتصاد» نخوانده ام واز اصطلاحات و قواعد آن آگاه نمی باشم .

ولی ناسنجیده هم نمی نویسم . اگر این گفته ها با قواعد اقتصاد سازگار نمی آید باید گفت ما بالا دست آن قواعد را گرفته ایم و برای آنکه سخن نیک روشن گردد باز مثلی یاد میکنم :

چنان انگارید هزار خاندان از مردم جدا شده و بیک بیابانی رفته می خواهند شهری بنیاد گزارند و جداگانه زندگانی کنند ، و پول و اسکناس هیچ بر نداشته اند ولی هر خاندانی کالا برای زیست چند ماهه همراه دارد ، و چون فرا رسیده اند کارها را در میان خود تقسیم میکنند ، گروهی برای کشاورزی و باغبانی ، و گروهی برای بارچه بافی و فرشبافی ، و گروهی برای دام پروری ، و گروهی برای خانه سازی و خیابان کشی و هم چنین دیگر کارها ، پس از چند ماهی شهر ساخته شده و پیداست که باید پیشه وران و کوشندگان پدید آورده های خود را مبادله کنند و نیاز بیک «افزار مبادله» می افتد ، و چون زر و سیم و کاغذ همراه ندارند یا دارند و نمی خواهند آنها را افزار مبادله گردانند تکه چوبهایی را با یک شکل خاصی تراشیده وسیله مبادله میگردانند وچنین قرار می نهند که هر تکه چوبی با ده کیلو گندم برابر گرفته شود و بهمان وسیله داد وستد میکنند . باین معنی کشاورزی می آورد گندمهای خود را می فروشد وچند تکه چوبی میگیرد و میرود یکی را میدهد یک جفت کفش می خرد ، دیگری را میدهد چند ذرع چیت میگیرد و همچنین پزشک بالا سر بیمار میرود ودر بیرون آمدن یک تکه چوبی در دستش میدهند واو می پذیرد زیرا میداند که با آن یک تکه چوب ده کیلو گندم یا یک جفت کفش یا چند ذرع چیت تواند خرید ، اگر بنایی آورد آنرا بجای مزد تواند داد ، بدینسان کار خود را راه میاندازند بی آنکه نیاز بداشتن پشتوانه پیدا کنند .

آیا چنین زندگانی نتواند بود ؟ ! . آیا ارزش آن تکه چوب که بجای اسکناس بکار میرود از چیست ؟ .. نه از آنست که در برابرش کالا داده میشود ؟ ! ..

حافظ چه میگوید؟

(۷)

کشاکش صوفیان و خراباتیان

صوفیان چون عنوان پرهیز کاری و ... سایی می داشتند و باده و چنگ و ... را از روی عقیده مسلمانی حرام میشماردند ... گزیر باخراباتیان دشمنی نشان می دادند ... نکوهش بآنان دریغ نمی گفتند . این خراباتیان نیز آنان را دشمن می ... تند و اکنون که دسته ای گردیده و ... وهی یافته بودند از بدگویی و زبان ... زی با صوفیان باز امی ایستادند .
... ها در نکوهش آنان میسرودند :
... بزاهد سالوس خرقه پوش دو روی
... دست زرق دراز است و آستین کوتاه
خرقه را ز بـرای هوا همی پوشی
تا بزرق بری بندگان حق ازراه
... در برابر بد گوییهای صوفیان نیز ... بدان جبر یگری زده می گفتند :
ما را خراباتی آفریده ماچکار کنیم ؟ !
... از می مکن ای صوفی صافی که حکیم
... زل طینت مـا را بمی صـاف سرشت
... مسجد بخرابـات نـه خود افتـادم
... از روز ازل حاصل فـرجـام افتاد
... با نشسته با خود می گفتند : از کجا
همان کار های آنان بهتر از این کار
... ما باشد ؟ ! ..
... که صرفه ای نبرد روز باز خواست
... حلال شیخ ز آب حـرام مـا
... شراب کوثر و عارف پیاله خواست
... میانه خواسته کـرد کار چیست
... می گفتند : این باده نوشی بی ریای
... بهتر از زهد ریایی صوفیانست :
... نوشی که درو هیچ ریایی نبود
... از زهد فروشی که درو روی ریاست
... ی گفتند : خود صوفیان نیز می ی
... اند ولی در نهان :
... شکن نمیداند این قدر که صوفی را
... خانگی بـاشد همچو لعل رمـانی
اگر شعرهای حافظ و دیگر خراباتیان
... خوانید پر است از نکوهش صوفیان .
... گفت :
... صوفیان سزای بیشرمیهای خود را
... ست این بیشتر متران بافته اند .
... سپس خراباتیان بیک کار شگفتی بر
... ته اند . کـاریکه نخست جز شوخی
... شخند نبوده ولی رو به راستی بخود گرفته
... ون این داستان شگفت است من آن
... گشاده تر خواهم نوشت :
در آن کشاکش که در میان می رفته
... اباتیان پاسخ بصوفیان می داده اند یکگام
... گزارده خواسته اند که خرابات یا میخانه
... جایگاه مغبچگان ساغر گردان و بدمستان
... بار بازات و چنگ وچغانه نوازان
... در ردیف « خانقاه » قرار دهند و
... بند اینجانیز یک جایگاهی برای
... لی مقامات » میباشد . اینست بر گشته
... فیان گفته اند آخر شما چه هستید
... ما نیستیم ؟ ! .. شما در آنجا چه دارید
... در اینجا نداریم ؟ ! ..
چون صوفیان می گفتند : ما در اینجا
... ی خدا جویی گرد آمده ایم ، اینان
... ته اند : مگر خدا تنها درخانقاه است
میخانه نمی شود او را جست ؟ ! . ما
خدا را در اینجا میجوییم .
... بخرابات بیا راست مترس
ترسی که در این راه خطرهاست مترس
... کس که زترس او نیابی بر ما
پنهان ز تو در خرابه ماست مترس
خرابات مغان نور خدا می بینم
این عجب بنگر که چه نوری ز کجا میبینم
کس طالب باده نه چه هشیار و چه مست
همه جا خانه عشقست چه مسجد چه کنشت
چون صوفیان دم از «عشق خدا» میزدند
... ن نیز دم از عشق زده اند و آن گاه
... ن گفته اند : ما باده را بنام همان عشق
... خوریم .
... بیاله عکس رخ یار دیده ایم
ای بیخبر ز لذت شرب مدام ما
چنانکه صوفیان در زمینه همان
... بیشرمیهایی داشتند وشاهد بازیهای
... ی را عشق بخدا می نامیدند اینان در
آن بیشرمی از صوفیان باز نمانده اند :

دوستان عیب نظر بازی حافظ نکنید
که من او را زمحبان خدا می بینم

میگفتند هرچه صوفیان می دانند ما نیز میدانیم ولی نباید بگوییم :

مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز
ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست

راز درون پرده ز رندان مست پرس
کاین حال نیست زاهد عالی مقام را

صوفیان بهر خانقاهی پیری (شیخی) داشتند اینان برپشخند « پیره گبر می فروش »را با آن ریش وپشم می آلود و چرکین پیش کشیده گفته اند این هم « پیر» ماست . گفته اند : این نیز رازهایی را از خدا میداند و بما یاد میدهد

گر مرشد ما پیر مغان شد چه تفاوت
در هیچ سری نیست که سری ز خدا نیست

سپس از زبان همان پیر میفروش – آن پیری که هر روز دست بریشش زده میخندیده اند ، آن پیری که درحال مستی به سرودوشش میپریده اند – پندهایی ساخته پراکنده کرده اند .

نخست موعظه پیر میفروش اینست
که از مصاحب ناجنس احتراز کنید

صوفیان میگفتند : ما میکوشیم که « منی » را در خود بکشیم و از خود در گذریم تا بخدا برسیم . اینان گفتند . چاره اینکار باده نوشی است . شما سالها رنج میبرید تا از « منی » بیرون آیید . ما چون ساغری بسر می کشیم بیکبار از خود بیخود و از منی بیرون شده ایم .

در بحر مایی و منی افتاده ام بیار
می تا خلاص بخشدم از مایی و منی

چون ز جام بیخودی رطلی کشی
کم زنی از بیخودی لاف منی

صوفیان مدعی بودند که با آنکه یکمشت تهیدست و گرسنه اند تاج به پادشاهان می بخشند و هر که را بخواهند به پادشاهی توانند رسانید یا از فرمانروائی توانند انداخت . خراباتیان نیز همان ادعا را بریشخند بخود بسته گفته اند : این گدایان لات که در گرد میخانه و هر کدام اگر چند شاهی از گدایی بدست آورند به میفروش داده باده میخورند هر یکی جایگاه بلندی در دستگاه خدا دارند و تاج بپادشاهان می بخشند :

با گدایان در میکده ای سالک راه
بادب باش گر از سر خدا آگاهی

بر در میکده رندان قلندر باشند
که ستانند و دهند افسر شاهنشاهی

خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای
دست قدرت نگر و منصب صاحبجاهی

چون مردان بیکار و بیعاری بوده اند روز خود را با این ریشخند ها و سر کوفتها بسر می برده اند و گاهی نیز یک بازی در میاوردند بدینسان که یکی صوفی میشده که چون سالها در خانقاه بسر برده واز رنج و ریاضت به «مقامی» نرسیده باین اندیشه افتاده که بخرابات بیاید و در اینجا « طی مقامات » کند و اینست بدر خرابات آمده و آنت را میزند و خراباتیان در برویش باز می کنند یا می گویند خرقه تو ناپاکست برو بشوی و بیا :

شست و شویی کن و آنگه بخرابات خرام
که نگردد ز تو این دیر مغان آلوده

از اینگونه بازیها و بازیچه ها فراوان داشته اند . چنانکه گفتیم نخست این بعنوان ریشخند و شوخی بوده . ولی کم کم رو به جدیگری بخود گرفته که بیشتر صوفیان نیز بآن پرداخته اند . این یک کار دیگری برای صوفیان شده که هر یکی از ایشان دم از رندی زند (رندی که ضد صوفیگری بوده) و نام خرابات برد ، و سخنی از باده خواری گوید . این خود یک «مقامی» گردیده که هر صوفی باید بپیماید . صوفیانی که پس از زمان حافظ آمده اند بیشتر آنان همین سخنان حافظ را که ضد آنها بوده گرفته و تکرار کرده اند . از اینجا اندازه فهم و خرد ایشان توان دانست .

از اینجا و از آنجا

مویدالاسلام کاشانی



مؤیدالاسلام (سید جلال الدین) بنیاد گزار و نویسنده روز نامه حبل المتین کلکته بود که پیش از زمان مشروطه در هندوستان بنیاد گزارده شد و یکی از روزنامه های آنزمان شمرده میشد و سپس نیز بود و نزدیک به چهل سال پراکنده میشد و او نیز از گروه سوم میباشد و برای دانستن داستانش بخش یکم تاریخ مشروطه دیده شود

در پیرامون رمان

(۴)

یکی از ارمغانهای اروپا بایران رمان و رمان نویسی است که نتیجه آن تباه شدن خرد ایرانیان است بچشم خود می بینیم که عده زیادی از ایرانیان وقت گرانبهای خویش را بخواندن افسانه های بی سروته و داستانهای دروغی می گذرانند و نیز عده ای از تحصیل کردگان که باید وقت خویش را صرف کارهای سودمند نمایند به نوشتن و ترجمه کردن این رمان ها از زبانهای بیگانه می پردازند و بدینطریق روزگار خویش را تباه ساخته دیگران را نیز بدبخت می نمایند .

من میخواهم از این آقایان مترجمین و رمان نویسان که از چهل سال باز در ایران پیدا شده اند بپرسم که از این کار خویش چه نتیجه ای میخواسته اند ؟ !

اگر بگویید رمان اخلاق توده را تصفیه نموده آنها را براستیها آشنا میسازد باید گفت دروغ میگویید چه این رمانها علاوه بر اینکه این نتیجه را نمیدهند بترویج سیاهکاریها کمک می نمایند .

از شما می پرسم کدام جوانی است پس از خواندن افسانه های از راه بدر برنده بااندیشه کارهای زشت قهرمانهای داستانهای شما نیفتد ؟ !

شما که حس کامرانی جوانان را بدینطریق بیدار نموده و تیشه بریشه پاکدامنی میزنید ، چگونه امیدوارید که آنان بدنبال سیاهکاریها نروند و دست از بی عفتی ها بردارند ؟

چه بسا دوشیزگانی که شما آنان را به پرتگاه بی عصمتی کشانیده اید ، چه زیاد جوانانیکه پس از خواندن این داستانها جایگاه قهرمانهای آنهارا برای خود آرزو کرده و حرکات آنرا تقلید نموده اند و در نتیجه به پرتگاه نابکاری افتاده اند .

با اینحال آیا می توان شمارا گناهکار نشمرد ؟ . شما که باعث این همه سیاهکاریها شده اید آیا می توانید در توده با پیشانی باز زندگی کنید ؟ ! . از شما می پرسم بجای اینکه افسانه های بی سروته اناتول فرانس و میشل زوا گو ... را ترجمه نموده بدست دوشیزگان و جوانان دهید ، چه مانعی داشت قدری از دانش های اروپائی را برای هم میهنان خود ترجمه مینمودید و ما را بآن پیشرفتها آشنا میساختید و از این راه بکشور و توده خود خدمتی مینمودید ؟ آیا بهتر نبود بجای نوشتن این افسانه ها برنده ساختن دلیران ایران که نامهایشان از خاطر رفته است میپرداختید و آنها را بما میشناسانیدید ؟ آیا بهتر نبود خامه خویش را در یک راه راستی بکار می انداختید و خود و دیگران میوه آنرا می چیدید ؟

یکروز بود که کسی عیب رمان را نمی گفت و شما نیز ندانسته آن راه را می پیمودید . ولی در جاییکه از نه سالست که داورنده پیمان و پرچم زیانهای رمان را بایکزبان ساده و بایکصد دلیلهای استوار روشن گردانیده آیا بازجای آنست که شما در گمراهی پافشاری نمایید و باز آنراه را بپیمایید ؟ ! .

شما چرا نمی اندیشید که مردم در نتیجه خواندن نوشته های پیمان از حقایق آگاه گردیده اند و دیگر برمانهای شما ارج نخواهند گزاشت . دیگر گفتن آن که « رمان از ادبیات است » سودی نخواهد داد ! شگفت آنکه شما بخر امید ...

گواهی دلدادانه و یک راهنمایی

بیش از یکسال است که مهنامه پیمان را میخوانم و از مقصود دارنده آن (آقای کسروی) بخوبی آگاه شده و با کمال سر فرازی خود را در شماره آزادگان معرفی مینمایم و بعلاوه خوشوقتم از اینکه در این زمان کم توانستم چهار نفر از خویشان نزدیک خود را با پیمان آشنا و باخود همراه نمایم . با دوستان نیز این زمینه را در میان نهادم کم و بیش زیر بار حقیقت رفته بزودی بیاری خواهند کرد امیدوارم که سایر آزادگان دست کم بهمین اندازه در پیشرفت آماردارنده پیمان جدیت بخرج دهند و یقین بدانند خدا پشتیبان آنها خواهد بود . ضمنا چون خودم آزموده ام بدیگران نیز یادآوری می کنم که با هر کس جز او راهش در نیایند و در گفتگو فقط به دلیل بسنده کنند و هیچگاه به مجادله با کسی نپردازند که هم مخالف منظور پیمان است و هم نتیجه وارونه میدهد

ابوالفضل باحکلی

پیام به آزادگان آذربایجان

پاک دینان ، برادران آزاده تبریز

از خجسته یاد نگرانی آن برادران بسیار خشنود شدم بویژه چون از رهنمای آزادگان کوششهای غیرتمندانه شما برادران آزاده را شنیدم آفریدگار را سپاس گزاردم که فرزندان غیرتمند تبریز چنانکه شایسته آن شهر تاریخی است در این بارهم در پیشرفت راه آزادی پیشگام شده اند .

چون فرصت مرخصیم سر رسیده و از آمدن بدیدار شما از این سفر معذورم و از اینجا آن برادران ارجمند را بدرود گفته توفیق همگی آزادگان را در پیشرفت راه رستگاری از آفریدگار توانا خواستارم

محمد علی امام

با هایهوی جلو گیری از حقیقت نویسی پیمان و پرچم نکنید و می پندارید که فیروز خواهید گردید ، شما باید بدانید که این کوششهای شما جز زیان نتیجه ای بشما نخواهد داد .

دیگر از خرابکاری های رمان نویسان تاریخ را بصورت افسانه در آوردن و دروغ بپای شاهان و دلیران بستن است .

پادشاهی را عاشق زن نرد امنی نمودن (اردشیر و کنتار و بسیاری از اینگونه ها) و بدینسان نام او را در تاریخ ننگین نمودن از کارهایی است که قابل عفو نمی باشد (آخر ای بیخردان شما از راستی چه بدی دیده اید که بدروغ پناه میاورید) ؟

کوتاه سخن یک قسمت از کتابهایی که در آذرماه باید طعمه آتش شوند همین رمان هاست و ما آزادگان باید بیاری خدا دست بدین کار سترگ زنیم و ریشه این بدآموزیها را از بیخ بر کنیم

در پایان بسرای خدای بزرگ سپاس میگذارم که موفق گشتم با خواندن شماره های مهنامه پیمان و روزنامه پرچم و راه رستگاری به حقایق آشنا گردم شما خوانندگان نیز اگر براستی خواهان سرفرازی توده و کشور خود هستید بآزادگان ایران بپیوندید و دیگران را باین راستیها آشنا سازید امیدوارم این دسته پاکدل که به نیکی توده خود و دیگر شرقیان و بالاخره جهانیان برخاسته اند در آینده نزدیک با پیام پاک خود پیروز گردند « خدای بزرگ با پاکدلان است » .

اهواز احسان الله آزادی

گزارش کشور

شرفیابی بحضور علیاحضرت

بمناسبت جشن میلاد مسعود علیاحضرت فوزیه پهلوی ملکه ایران صبح روز پنجشنبه چهاردهم آبان ساعت ده و پانزده دقیقه آقای نخست وزیر و آقایان وزیران برای عرض تبریک بحضور علیاحضرت شرفیاب خواهند شد.

از ساعت ده و نیم بانوان وزیران و رجال و معاریف بشرفیابی حاصل خواهند کرد

بازرس وزارتی

آقای حسین کی استوان که از لیسانسه های دانشکده حقوق میباشد از طرف وزارت دارائی مجددا بسمت بازرسی وزارتی تعیین و مشغول کار شده‌اند.

معافیت از پرداخت شهریه

هیئت وزیران در اجرای قانون مصوب سی‌ام مهر ۱۳۲۱ تصویب نمودند اداره داروئی قسمت اقتصادی بوزارت بهداری منتقل شود و موجودی دارو و لوازم طبی وجراحی با ارزیابی صورت برداری و با نمایندگی وزارت خانه تحویل شود وزارت بهداری مکلف است اجناس مذکور را با در نظر گرفتن مصالح بهداشت عمومی و به بهائی که با موافقت وزارت دارائی معین خواهد شد فروخته و وجوه حاصل از فروش را بخزانه داری کل تحویل نماید هیئت وزیران بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و موافقت وزارت دارائی تصویب کردند که سه نصاب معافیت از پرداخت شهریه فرزندان کارمند دولت که در بند نه از ماده سوم آئین نامه شهریه بمبلغ پانصد و بیست ریال تعیین گردیده بیکهزار و چهل ریال تبدیل و اصلاح شود.

یک خبر خوشی

از قراریکه شنیده‌ایم دولت با متفقین درباره خواربار بار دیگر بگفتگو پرداخته و اخیراً کمیسیونی نیز برپا شده و چنانکه گفته میشود نمایندگان شوروی تعهد کرده‌اند مساعدتی از حمل خواربار از جاهای دیگر بنمایند و نیز نمایندگان انگلیس تعهد کرده اند چیزی از ایران نبرند و آنچه تا کنون خریده اند عوضش را از عراق وارد کنند.

یکموضوع دیگری که باید حل شود خواربار لهستانیهاست که در آن باره نیز گفتگو در میانست.

ما امیدمندیم این خبر ها از سوی دولت تاکید یابد و راستی آن محرز گردد و بهر حال دولت باید اینموضوع را کوچک نشمارد و اگر متفقین بخواربار ایران نیازمندند از روی یکنسانی بباشند و آنگاه از دولت خریداری کنند.

برای مساعدت کارگران

از کرمان اطلاع میدهند که از طرف آقای صفاری رئیس بازرگانی و پیشه و هنر اصلاحات و مساعدت هائی برای کارگران کارخانه ها بعمل آمده. دست مزد کارگران قالی باف دو صد شاهی از شش ریال بهشت ریال افزایش داده شده و همچنین دستمزد سایر کارگران کارخانهای دیگر را بهمین ترتیب حد اقل ده ریال در هشت ساعت کار رسانیده اند حق العلاج پزشک و دوای مجانی کارگران و نظافت بدنی آنها با استخدام های مخصوص و ترتیب تهیه نان آنها بعهده مدیران کارخانه ها واگذار شده است.

برگشتن ماشین

چهار ساعت و نیم بعد از ظهر روز گذشته یکی از ماشین‌های اداره مهمات سازی ارتش مخصوص انتقال افسران و کارمندان و کارگران کارخانجات شیمیائی اتفاقی پارچین بوده در بین راه برگشته و واگن آن بسختی مجروح میشوند.

یکی از مجروحین خود را به تلفن رسانده و تقاضای اعزام آمبولانس می نماید بلافاصله آمبولانس به محل واقعه اعزام و مجروحین را به بیمارستان ارتش حمل مینمایند.

تیراندازی در نانوائی و اصابت

دیروز صبح در نانوائی شماره ۱۰۱ واقع در بازارچه نو عباس آباد متعلق به غلام مسعود بر اثر ازدحام جمعیت زد و خوردی روی میدهد علی آقا نام به سر پاسبان ۲ شهیدی که مامور مراقبت حفظ انتظام بوده حمله نموده و با او گلاویز سر پاسبان ۲ شهیدی برای تهدید دست باسلحه برده و سه تیر خالی میکند دو تیر بپا و بپای علی نامبرده اصابت مینماید و تیر سوم بپای حبیب فرزند مشهدی جعفر حلوائی میخورد و هر دو بسختی مجروح میشوند مجروحین به بیمارستان اعزام و قضیه فعلا از طرف سر کلانتری تحت تعقیب است.

مجلس شوری

صد و پنجمین جلسه مجلس شورای ملی روز سه شنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۲۱ یکساعت و نیم پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل صورت جلسه پیش خوانده و تصویب شد.

آقای اردلان — آقایان نمایندگان محترم مطلع هستید اگر قوانین در موقع خود تصویب نشوند اثرشان از بین میرود (صحیح است) اینست که بنده دو تقاضا دارم یکی اینکه اولا موافقت بفرمایید لایحه متمم بودجه در یکی دو جلسه تصویب شود دیگر اینکه موادی که تا بحال از لایحه تصویب شده است مورد عمل قرار گیرند.

گفته شد دستور دستور

ماده ٤٥ لایحه متمم بودجه مورد شور قرار گرفت.

آقای تهرانچی — بنده در این ماده ازاول هم مخالفتی نداشتم بلکه مقصودم این بود که برای نگهداری جنگل ها که در این ماده پیشنهاد شده از هر مترکوب چوب ۲۰ ریال گرفته شود تا حال چه میشده تابحال عده از فروش چوبها استفاده های زیادی برده اند و حتی ملیونر شده اند و حالا وزارت کشاورزی تنها این مبلغ جزئی را برای حفظ آنها منظور نموده، درصورتی که سال بسال جنگلهای کشور از بین میروند بعلاوه بین جنگلهای شمال وجنوب تفاوتی موجود نیست و نیز بعقیده من این مبلغ جزئی است و این پول در حق استفاده برندگان کلی تاثیری ندارد بلکه فشاری است که تنها به ساکنین محلی وارد میآید و گمان می کنم درحق این بیچاره ها فقط این قانون اجرا شود و کسانی که میلیونها میبرند و صادر میکنند مصون باشند اصولا نمیدانم این اجازه ها چطور داده میشود.

بنده معتقدم که وزارت کشاورزی نباید بعد از این اجازه ها را آنهم به تجار خارجی بدهد. «صحیح است»

آقای عدل — بنده دو سه دفعه راجع برویه که فعلا در امور جنگل داریم توضیحات کافی عرض کرده ام البته موقعی که قانونی برای مجازات متخلفین تصویب نشود جلو گیری از اقدامات خلاف قانونی مردم ممکن نیست بنده تصدیق دارم که عدة چوب جنگل را قطع میکنند و تنها مجوزاتی که مامیتوانیم بکنیم اینست که چوبها را بدارائی داده تا بفروش برساند ولی آنشخص را مجازات نکرده‌ایم (مجازات بکنید) قانون نداریم برای مجازات

اما اجازه هائی که داده ایم تنها برای ساختن تراورس های راه آهن بوده و مقدار خیلی جزئی صادر میشود و در مقابل مقدار قابل ملاحظه بنده بذر برای شهرستانهای جنوبی گرفتم و تصور نمیکنم ضرری کرده باشیم. راجع باستفاده که این اشخاص می‌برند حرفی نداریم ولی سعی کرده‌ایم کاری کنیم که خود دولت یعنی وزارت کشاورزی این استفاده را به برد.

آقای هاشمی — بنده مخالف کفایت مذاکرات هستم زیرا در جلسه قبل هم قرار شد باحفظ نوبت در جلسه آنروز صحبت بکنیم

نمایندگان — رأی بگیرید.

بکفایت مذاکرات رأی گرفته و تصویب شد. پیشنهادات خوانده شدند آقای انوار پیشنهاد نمودند چون تصویب این ماده مانند وضع مالیات جدید است بنا بر این بهتر است فعلا این ماده دراین جا حذف و منظور دولت در ضمن لایحه پیشنهادی دیگری تأمین گردد.

به پیشنهاد ایشان رأی گرفته و رد شد

آقای هاشمی نیز مانند آقای انوار عقیده داشتند که بهتر است این حقوق جنگلی درلایحه جداگانهٔ منظور گردد آقای دکتر سنگ نیز بعنوان موافقت با پیشنهاد ایشان توضیحاتی دادند آقای اردلان اظهار داشتند که چون این کار شده و سابقه پیدا کرده است بهتر است که آقایان در اینجا هم موافقت فرمایند

آقای مسعودی پیشنهاد نمودند که وزارت کشاورزی مکلف است صورت اجازه هائی را که برای قطع اشجار جنگلی میدهد هر سه ماه یکبار بعرض مجلس شورای ملی برساند. پس از توضیحی که دادند پیشنهادشان را رد نمودند

به پیشنهاد آقای تهرانچی رأی گرفته و تصویب شد بماده نیز رأی گرفته و تصویب شد ماده ٤٦ خوانده شد. آقای دکتر ادهم توضیح دادند که این باغ خریداری میشود برای ساختن آموزشگاه جهت نگهداری و تربیت بینوایان

آقای هاشمی پیشنهاد نموده بودند نوشته شود بنگاه شیروخورشیدسرخ ایران بااین پیشنهاد موافقت شده بماده ٤٦ رأی گرفته و تصویب شد ماده ٤٧ قرائت گردید بجای این ماده گزارش کمیسیون بودجه در خصوص تبصره ماده ٤٦ قرائت شد (راجع بتأسیس دوره دکتری حقوق) آقای مؤید احمدی پیشنهاد نمودند که وزارت دارائی مکلف است کلیه اضافات حقوقی در بساره کثیر الاولاد ها را از محل صرفه جوئی بودجه کشوری بپردازد به دو تبصره رأی گرفته و تصویب شد.

آقای طباطبائی — فرق حکومت مستبد بامشروطه اینست که در حکومت مستبده یکنفر که همان شخص شاه است در رأس حکومت قرار میگیرد و همه کاری که دلش میخواهد میکند ولی در مشروطه برعکس شاه مسئول نیست و چون مسئولیتی ندارد حق دخالت در هیچ کاری ندارد و بعقیده من خرابی مملکت از اینجاست که این اصل رعایت نشده است و کسانی آمده اند و مرتکب هزاران جنایت شده اند و رفته اند و حالا هم نمیگویند کی گفت و کی کرد.

اگر اصل چهل بقانون باعث بر آن میگردد که هیچ والا این صحبتها شنیده نمیشود.

این آدمیکه تنها شد حق داوطلبانه کارها را بکنند و همه حقوق خود را بخواهد درمشهد، ۱۵۰ نفر آدم کشتند رئیس الوزراء مسئولیت باید بمحاکمه کشیده شود (صحیح است) این نباید روشن ما بشود که یک رئیس الوزرائی بیاید و هزاران جنایت مرتکب شده و به امریکا برود. اگر قانونست باید در بابت همه رعایت شود اگر کسی مظلوم واقع شده باید درتمام خسارتش گرفته شود الان در این قحط و غلا وزیر مسئول باید بداند که مسئولیت

تمام این جریانات که در زمامت ریاست بنده نبوده که همان آقای فروغی بوده که شما هی زنهار میزنید صحبت نکنید. هیچ معنی دارد در مملکت مشروطه یک ماه دو ماه یک رئیس الوزرائی بیاید وهر کاری میخواهد بکند و بعدهم باسرش از دربار دربیاید یا از امریکا. بنده در روزنامهٔ خواندم که مدیر روزنامه شکایت کرده بود که مرا فروغی تبعید کرده و زجر کرده و چه و چه کرده این قانون نیست این ظلم بمظلومان است.

آقای اوحدی — بنده این ماده را زاید میدانم این ماده باید حذف شود (صحیح است) امیدوارم آقای مخبر هم موافقت بکنند زیرا نمیخواهم وارد جزئیات شوم و مجلس را وارد در جزئیات بکنم که در موقع فعلی صلاح نیست این است که بطور اشاره میگویم چون در این جا نوشته شده در بودجه ۱۳۲۲ پرداخته شود این است که تمنی دارم خود ماده را هم از سال ۱۳۱۲ بیاورید (صحیح است).

آقای نقابت — دولت قبلی این لایحه را تصویب نکرده است و این را دولت پیش آورده است و به هیئت دولت سابق در کمیسیون بودجه خود آقایان تذکر دادند که اگر داشته باشید حقوق آقایان را بدهند چه میگوید ازجه بدهند صحبت شد و نپذیرفته هم شد. یعنی قرار شد طوری شود که به حیثیت دولت لطمه وارد نیاید بنده اگر اختیار داشته باشم این لایحه را یعنی این ماده بخصوص را پس میگیرم

آقای اردلان اظهار داشتند که بنده معتقدم که برود به کمیسیون و بعد عقیده ایشان موافقت شد.

ماده ٤٨ خوانده شد و پس از بیانات آقایان انوار و تهرانچی و نقابت تصویب شد ماده ٤٩ قرائت شد چون ۶ نفر زیادی از آقایان نمایندگان مخالف این نظامنامه در باره اوقاف بودند آقای نقابت مخبر کمیسیون قبول کردند این ماده به کمیسیون برگشته و در آنجا مجدداً بررسی شود.

جلسه ۲۵ دقیقه بعد از ظهر ختم و جلسه آینده روز ۵ شنبه ... اعلام شد.

تازه‌ترین خبرها

جبهه خاور دور — جنگ های سخت و شدید بدون آنکه منتج به نتیجه قطعی شده باشد هنوز در پیرامون این شهر جریان دارد آلمانها بار دیگر حملات سخت و شدید خود راشروع نموده و باجدیت سخت سعی مینمایند درنواحی جنوب‌هم خود را به ولگا برسانند در اعلامیه های نیروی شوروی ذکری از پیشرفت اخیر نیروی محور نشده ولی بطوریکه خبرگزاریهای دیگر اظهار میدارند آلمانها در حمله اخیر خود به پیشرفت قابل ملاحظ نائل شده‌اند ولی این خبرهنوز از متفقین تائید نشده است.

در توآپس و ناچیک زد وخورد های بسیار سختی جریان دارد.

جبهه مصر — در این جبهه شدیدترین نبرد ها بین تانکهای طرفین جریان دارد. انگلیسها اکنون اظهار میدارند که مواضع نیروی محور با شدت زیادی مستحکم شده است. پس از حمله سختی که پیاده نظام‌دود سپاه هشتم از تانکهای خود استفاده نموده آنها را داخل میدان کرده. هنوز نتیجه این جنگ معلوم نگردیده است.

جبهه خاور — اعلامیه وزارت دریاداری امریکا حاکی است که زیردریائی های امریکا متمرکز در آبهای خاور دور هفت کشتی باربری ژاپن را غرق کردند بسه کشتی دیگر که یکی از آن ها ناو شکن ودیگری یک کشتی مبدل بهواپیما بر بود آسیب سخت رسانیده اند.

کوشش‌های سیاسی

امروز روزولت رئیس جمهوری امریکا ازکنگره تقاضاکرد که قانونی تصویب نماید که بر طبق آن بریاست جمهوری اختیار تمام داده شود در تمام دوره جنگ موانع تجارتی را بر طرف کند و عوارض صادراتی و حقوق گمرکی و دیگر مقررات و نظاماتی راکه بصدور آزادانه مهمات و آلات جنگی لطمه میزند بطور موقت ملغی سازد.

سرگرد «پل کرن و لاکت» که بریاست اداره سیاسی جنگ در خاورمیانه گماشته شده بسوی قاهره حرکت کرد

«مارسل دئا» نطقی جلو رادیو ایراد کرد و طی آن از رویه مستشاران نزد پتن انتقاد کرد و آنها را نوکران مطیع پتن خوانده و متهم بدان نمود که عقیده تشکیل حزب واحد را در فرانسه که اکنون در پاریس در کار تشکیل است خراب میکنند. پس از آن چنین گفت:

دامنه جنگ بافریقا کشیده میشود نگرانی ما کلی زائل نخواهد شد مگر آنکه در موضوع عقد پیمانی که بین فرانسه و ژاپن در سال ۱۹٤۱ منعقد گردید بررسی کنیم. عقد چنین پیمانی هم آینده و هم سال حاضر فرانسه را تضمین خواهد کرد. فقط بدینوسیله ممکن است از داکار دفاع حقیقی نمود.

شماره ۸۷۲۲ — تاریخ ۲۱/۸/۲۶

(آگهی رسمی)

بمنظور انجام هر گونه معاملات بازرگانی و حق العمل کاری شرکتی در اهواز بنام شرکت نسبی سمسار زاده و توکلی که مرکز اصلی آن اهواز و دارای شعبه در تهران میباشد از تاریخ اول آذر ماه یکهزار و سیصد بیست و یک برای مدت ده سال تشکیل سرمایه شرکت مبلغ پانصد هزارریال که چهارصد هزار ریال نقدی و بقیه جنسی است مدیران شرکت آقایان حاج ابوالقاسم سمسار زاده (مدیر شعبه تهران) و علی توکلی (مدیر مرکز شرکت) و هریک منفرداً حق امضاء کلیه اسناد و بروات و تعهدات بانکی و غیره را دارند تقاضا نامه شرکت در تاریخ پنجم آبانماه ۱۳۲۱ در دفتر ثبت شرکتهای داخلی اهواز زیر شماره ۵۹ بثبت رسیده است.

ش — ۱۱۶۲

رئیس ثبت استان ششم — شاپوری

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۶/۵/۱۳۲۰ بانو زهرا (اسدالله میرزا) دختر اسدالله درخواستی بشماره ۲٤۳/۲۰ باین دادگاه تقدیم وخود را مادر وارث منحصر طهماسبقلی بهلول فرزند ابوالقاسم که در ۱۳/۳/۲۱ درطهران محل اقامت دائمی خود وفات یافته معرفی و گواهی حصر وراثت خواسته است دادگاه باملاحظه بمستندات وشنیدن گواهی گواهان مراتب را سه نوبت متوالی ماهی یکمرتبه درمجله رسمی ویکی ازجراید باگهی میرساند چنانکه کسی را بوراثت وانحصار وراثت نامبرده بالا اعتراضی باشد ظرف سه ماه از تاریخ انتشار نخستین آگهی اعتراض خودرا بدادگاه تسلیم وچنانچه وصیت نامه ازمتوفی نزد کسی موجوداست که تا بن تاریخ رسماً ابراز وافتتاح نشده ظرف همین مدت بدادگاه بدهد و باقضاء مدت هروصیت نامه جز رسمی وسری ابراز شود ازدرجه اعتبار ساقط خواهد بود وگواهی تقاضانامه صادر خواهد شد

ش ۱۰۷۹

دادرس شعبه ۵ دادگاه بخش طهران حسن اسلامی

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۲۷/۷/۱۳۲۱ - بانو عصمت‌السادات موسوی همدانی شناسنامه شماره ٤۲۵۵۸ باستناد یک برگ گواهی نامه ورونوشت شناسنامه خود دادخواست بشماره ۱/۲۱/۵۵۳ داده باینکه سید علی اصغر موسوی طهرانی صاحب شناسنامه شماره ۳٤۹٤۹ درتاریخ ۱۲/۲/۱۳۲۱ در طهران جایگاه همیشگی خود فوت وحیدالفوت ورثه متوفی منحصر به پنجنفر دختر بنام عصمت‌السادات متقاضیه و فاطمه موسوی طهرانی بشناسنامه شماره ۳٦ وزینت السادات موسوی طهرانی بشناسنامه شماره ٤۱۷٤۵ وبدرالسادات موسوی طهرانی بشناسنامه شماره ۳۷۸ وفخرالسادات موسوی طهرانی بشناسنامه شماره ۳۷۷ ویک نفر عیال دائمی بنام بانو عذرا موسوی طهرانی بشناسنامه شماره ٤۱۷٤۳ وغیراز شش نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس‌از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار آگهی میشود باگذشتن مدت سه ماه ازتاریخ نشر اولین آگهی ونمودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد ونیز اگر کسی وصیت نامه ازمتوفی دارد درظرف مدت مزبور ابراز والا هروصیت نامه غیر رسمی وسری باشد ازدرجه اعتبار ساقط خواهد بود.

ش ۱۱٦۹ — رئیس دادگاههای بخش طهران حسن داودی.

بیمارستان رضانور

کما فی السابق دایر است چهارراه شاه و قوام‌السلطنه

تلفن ۷۸۲۲ — ۸—۱۰

آگهی مزایده

یک سهم مشاع از ۵٠ سهم ششدانگ یکقطعه باغ پلاک شماره ۸۲۲فرعی از ۳٤۵ اصلی واقع در قصبه برغان بانضمام سه هشتم از یک سهم مشاع از ۵ سهم ششدانگ ۱ قطعه باغ پلاک شماره ۸۱۸ فرعی از ۳٤۵ اصلی واقع در قصبه برغان ساوجبلاغ بخش کرج ملکی آقای منصور خدابنده او به ثبت رسیده است ودراجاره هم نمیباشد طبق مقررات در روز شنبه ۳۰ آبانماه ۱۳۲۱ دو ساعت قبل از ظهر در شعبه ثبت کرج بطور مزایده بفروش میرسد طالبین میتوانند در روز مزبوردر خرید شرکت نمایند ومزاج از مبلغ ۱٤۷۵٤٠ ریال شروع خواهد شد.

مالیات برمزاج نسبت به مازاد بستانکار تعلق گرفته وبعهده خریدار است

تاریخ انتشار دوشنبه یازدهم آبانماه ۱۳۲۱.

ش ۱۱٦٤ — ۲-۳

رئیس ثبت کرج

شیخ الاسلامی

آگهی مزایده

ششدانگ یکقطعه زمین مشجر پلاک ۱۳۵/۱٦٦ واقع دوتربه وجه آباد شهریار ملکی ورثه فرج‌الله بیانی که به ثبت نرسیده و در اجاره هم نمیباشد طبق مقررات در روز شنبه سی‌ام آبانماه ۱۳۲۱ سه ساعت قبل از ظهر در شعبه ثبت کرج بطرز مزایده بفروش میرسد طالبین می توانند در روز مزبور در خرید شرکت نمایند و مزاج از مبلغ دوهزار ریال شروع خواهد شد.

تاریخ انتشار دوشنبه یازدهم آبان ۱۳۲۱ — ش — ۱۱٦۳

۳ — ۳ — رئیس ثبت کرج — شیخ‌الاسلامی

آگهی مناقصه

ژاندرمری کل کشور تهیه وتحویل تعدادی در وپنجره آهنی ویک تیون‌مسی با هفت جوش را بمناقصه میگذارد شرکت کنندگان با مراجعه بشعبه ساختمان این اداره وکسب اطلاع لازمه پیشنهاد خود را بایدبانضمام قبض رسید بمبلغ پانصدریال حساب شماره ۲۰۳۱ بانک سپه در پاکت لاک ومهر شده که روی آن نوشته شده باشد مربوط بمناقصه در وپنجره آهنی وتیون تا تاریخ روز شنبه ۹ آبان ماه بدفتر سررشته‌داری ژاندرمری داده رسید دریافت دارند پاکتهای واصله روز یکشنبه ۱۰ آبان ماه ساعت ۹ صبح در کمیسیون ساختمان باز وقرائت خواهد شد حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه آزاد است به پیشنهادات بدون سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد سپرده اشخاصی که مناقصه بنام آنها اصابت ننموده مسترد خواهد شد ژاندرمری در رد وقبول پیشنهادات مختار است.

۲-۲ — ش۱۱۵۹

سر رشته داری ژاندرمری کل کشور

جای اداره — لاله‌زار کوچهٔ مهران

تلفون — ٦٠۲٦ تک شماره درهمه جا ٥٠ دینار